



جبهه ملی

امید ملت

شماره ۹۳، سال هشتم - مرداد ماه ۱۳۹۱ برابر با ماه اوت ۲۰۱۲

نشریه برونمرزی

ارگان هیئت اجرایی جبهه ملی خارج کشور

سرمقاله

مهندس مسعود هارون مهدوی

**تسلیت به بازماندگان فاجعه بار زلزله آذربایجان
و شادباش به نشان آوران کاروان ورزش ایران
المپیک لندن**

توجه به واقعیت ها،

رکن اصلی مبارزات سیاسی است

وقوع زلزله سخت و مرگبار که شمال غربی ایران را لرزاند و طی آن بیش از ۳۰۰ تن از هموطنان در اثر آن جان باختند و هزاران تن بی خانمان گردیدند، همزمان با پایان مسابقه های المپیک لندن و پیروزی نام آوران ورزش ایران، دل مردم ایران و نیز پهلوانان ما را به سختی بدرد آورد و آنان را آزرده خاطر کرد. با وجود آنکه خبر زلزله دهشتناک آذربایجان در خبرگزاری ها و رسانه های خبری جهان بازتاب یافته بود تا مدتی در رادیو تلویزیون های جمهوری اسلامی و رسانه های خبری داخل کشور بازتاب نداشت و در بقیه در ص ۲

نکته ای که اپوزیسیون می باید خیلی مورد اهمیت قرار دهد داشتن شناخت کافی از واقعیت ها و امکانات طرف مقابل است. و این انجام پذیر نیست مگر اینکه شهامت ورود به واقعیت ها را داشته باشیم.

بنابر این تهیه هرگونه طرح و برنامه ای که فاقد شناخت کافی باشد نه تنها نمی تواند پاسخگوی برآوردن اهداف اپوزیسیون قرار گیرد بلکه هیچگونه ضمانت اجرائی به همراه نخواهد داشت و شانس موفقیت آن بعید می باشد.

اینکه حاکمان نظام موجود در ایران به هیچ وجه حاضر نخواهند بود تن به یک انتخابات آزاد واقعی بدهند از چشم کسی پنهان نیست. خوشبختانه گروه های ملی سال ها است که پی به این واقعیت برده اند.

با توجه به نبود چنین امکانی چطور می توانیم به برگزاری یک انتخابات آزاد با بودن همین نظام دل ببندیم.

متأسفانه سال هاست که عده ای از ما نمی خواهیم واقعیت را قبول کنیم به همین خاطر هم هست که تا بحال در بلاتکلیفی بسر برده و به هدفی که داشته ایم نتوانسته ایم برسیم.

یکی از علل آن با عرض معذرت این بوده که عده ای خواسته اند به نحوی «هم از توبره و هم از آخور بخورند». اگر خواسته باشیم بدون توجه به قانون اساسی نظام فعلی از درون همین نظام کسان دیگری را انتخاب و مسئولیت اداره مملکت را به آنان محول کنیم، نباید دیگر به مردم وعده یک سیستم دموکراسی سکولار داد، چون بکلی با هم مغایرت دارند.

از قدیم گفته اند «یا زنگی، زنگ و یا رومی، روم!»

اگر طالب یک حکومت مردمسالار و سکولار هستیم دیگر نباید همزمان با آقایان رفسنجانی و خاتمی و موسوی و کروبی بقیه در ص ۴

در این شماره می خوانید:

- توجه به واقعیت ها، رکن اصلی مبارزات سیاسی است
مهندس مسعود هارون مهدوی
- تسلیت به بازماندگان فاجعه بار زلزله آذربایجان ...
- بیانیه ادیب برومند از سوی جبهه ملی ایران
- در سوگ استاد منوچهر جمالی هوشنگ معین زاده
- شادی ملت به تلخی گرایید خسرو سیف
- ماشاالله به این پررویی مهندس مسعود هارون مهدوی
- خبرهای ورزشی
- تسلیت به هموطنان زلزله زده هوشنگ کردستانی
- سروده ای از حافظ
- سوگ چکامه ای برای هم میهنان آذری
- سروده ای از هما آژنگی

جبهه ملی نگاهبان برابری همه اقوام، ادیان و مذاهب ایران است

بیانیه ادیب برومند از سوی جبهه ملی ایران

خبر ناگوار و دهشتناک وقوع زلزله در آذربایجان شرقی که باعث کشته و مجروح شدن صدها نفر از هم میهنان گردید، تأسف بسیار به بار آورد و قلب دیگر هم میهنان را در این مصیبت جریحه دار ساخت.

زلزله از بزرگترین بلایای طبیعی است که در مناطق زلزله خیز می توان با تمهیداتی از شدت آسیب های وارده و ضایعات فراوان احتمالی آن کاست؛ اما چنانچه برای کاستن از عوارض آن چاره ای اندیشیده نشده باشد، پس از وقوع آن جز تسلیم به قضای الهی و اظهار تأسف بر کشتگان و کوشش در وارهاندن مجروحان و زیر آوار ماندگان و رسیدگی به احوال زلزله زدگان کار دیگری نمی توان کرد.

پس شرط انسانیت و نوع پروری این است که هر کس به مقدار توانایی خویش از هرگونه خدمتی که موجب ترمیم وبران گیری های زلزله و جبران زبان های ناشی از این سانحه دلخراش شود، دریغ نرزد و به مددکاری مصیبت زدگان بشتابد.

جبهه ملی ایران که همواره در این گونه مصائب غمگسار و یاری رسان هم میهنان سوگوار بوده و در حد مقدور موفق به خدماتی هم شده است، با عرض تسلیت به بازماندگان این حادثه و هموطنان گرامی، برای هرگونه مددکاری و خدمتگزاری در این راه آمادگی خود را اعلام می نماید.

شادی ملت به تلخی گرائید

حادثه دیده دچار کاستی های زندگی روزمره و برخوردار نبودن از سرپناه و کاشانه مناسب برای ادامه زندگی خویش باشند.

امروز زلزله یک پدیده طبیعی است که ترمیم خسارات و ضایعات پدید آمده آن از وظایف و مسئولیت های دولت است. چرا در کشوری با این همه امکانات و ثروت باید مردمان روستایی ما به عنوان زحمتکش ترین شهروندان این کشور که بخش بزرگی از تولید و اقتصاد بر شانه های آنان سنگینی می کند همچنان در خانه های خشت و گلی ابتدایی سکونت داشته باشند که در برابر پدیده های طبیعی آسیب پذیر باشند؟

ما در حزب ملت ایران ضمن ابراز همدردی و تسلیت به بازماندگان این رویداد تلخ و غم انگیز صبوری و دل آرامی برای هم میهنان آذربایجانی را آرزو مندیم.

خسرو سیف - تهران ۲۸ مرداد ۱۳۹۱

تسلیم به بازماندگان فاجعه بار زلزله
شرایطی که سران بسیاری از کشورهای خارجی به بازماندگان زلزله و به مردم ایران تسلیت می گفتند، سردمداران جمهوری اسلامی در خواب خرگوشی خود فرو رفته بودند، گویی آنچه اتفاق افتاده نه در ایران و نه در ارتباط با ملت ایران است.

در چنین شرایطی پیام تسلیت کاروان ورزش المپیک ایران به بازماندگان و یاری رساندن نام آوران ورزش کشور به مردم زلزله زده و همکاری و همگامی شگفت انگیز مردم سایر نقاط ایران با مردم منطقه زلزله زده نقطه درخشانی در نمایش همبستگی ملی بود. سرانجام سی امین دوره بازی های المپیک به پایان رسید. کاروان ورزشی ایران به صاحب ۱۲ نشان: چهار طلا، پنج نقره و سه برنز، شدند و در رده بندی به مقام هفدهم رسیدند.

همانگونه که یادآور شدیم، پیروزی بزرگ قهرمانان ایران - که چنانچه از مدیریت درست برخوردار بودند بیش از آن می توانست باشد که شد - همزمان شد با فاجعه زلزله در شمال غربی ایران که غمی سنگین بر این شادی افکند.

پیروزی کاروان ورزشی ایران در شرایطی که در دستگاه ورزشی جمهوری اسلامی به رغم وجود محمد پناها، رسول خادم ها، حسین رضازاده ها نه قابلیت درک مفاهیم ورزش و قهرمانی وجود دارد و نه از شرایط امروز ورزش دنیا آگاه هستند، کسب نشان ها و امتیازهای بدست آمده نشان از غیرت، شهامت و جنگندگی پهلوانان ما دارد که ایستادن بر سکوی قهرمانی المپیک را نشان برتری ایرانی بودن می دانند. نام آوران ورزش ایران چه دارندگان نشان های المپیک و چه آنان که نشان های مسابقه های جهانی را بدست می آورند آگاه هستند که این نشان ها متعلق به میهن آن ها، سرزمینی که آن ها را در خود پرورده و مردم ایران که پشتیبان واقعی آنان بوده و هستند می باشد.

در سوگ استاد منوچهر جمالی متفکر آزاد اندیش ایران

منوچهر جمالی، متفکر آزاداندیش ایران در ۱۵ تیر ماه ۱۳۹۱ در اسپانیا در غربت و تنهایی خود در گذشت

استاد منوچهر جمالی، متفکر نامدار ما، در سه حوزه، فلسفه و عرفان و دین صاحب نظر بود و قلم می زد. اما نگاه و دلبستگی او، شرح و تفسیر اسطوره های ایران باستان و تأثیرگذاری آن بر نهادهای فلسفه و عرفان و دین بود و کاری جز اندیشه و بازسازی فرهنگ کهن سال ایران و به کار گرفتن آن با فرهنگ کنونی روزگار ما، نداشت.

او، قلم توانا و اندیشه زرف خود را برای ایران و ایرانی فکر کردن و اعتلای اندیشه به کار گرفته بود و بر این باور بود که ما ایرانیان فرهنگ ساز، در مسائل فرهنگی خود نیازی به دیگران نداریم.

با این بینش، زمانی در لباس یک فیلسوف نو اندیش به مسائل فلسفی می پرداخت، زمان دیگر، در جایگاه عارفی سراپا ذوق و شوق پا به حریم عرفان می گذاشت و با نگاه عارفانه مسایل فرهنگی را بازگو می کرد. وقتی که از اوضاع نابسامان میهن غم گرفته اش لبریز از نالم می شد، در مقام یک پژوهشگر آزاداندیش، بنیاد ادیان را به تازبانه خرد می بست و همه ادیان را به باد انتقاد می گرفت.

با غرور و سرفرازی، پند و اندرزهای بزرگان سرزمین مان را از دیرباز، در مذمت دین فروشان حرفه ای بازگو می کرد و سخنان فرزندان ایران را دلیل حقانیت روشنگران عصر کنونی بشمار می آورد. روشنگرانی که دلیرانه به مصاف سردمداران روزگار مصیبت بار کنونی، برخاسته اند.

اگر چه می دانست نسل کنونی ما کمتر به ارزش و اهمیت تلاش های فرهنگی او آگاهی دارد، این را هم می دانست که زمان درک اندیشه های او خواهد رسید، آیندگان با تعمق و تأمل کارهای او را ارزیابی خواهند کرد و جایگاه او هم به عنوان یک اندیشمند آزاده فرهنگ و ادب ایران شناخته خواهد شد.

استاد منوچهر جمالی، از نخستین روزهایی که کاروان روشنگری در خراج از کشور به راه افتاد، با پیشگامان این کاروان همراه و همگام بود. او یک تنه

بخشی از این حرکت را بر عهده گرفت و با اندیشه های ناب ایرانی خود، روزنه های روشنی در مسیر آن گشود تا کاروانیان روشنگری از راهی که آنان را به مقصد می رساند، دور نشوند.

حاصل تعمق و تفکر او، آثار گرانبهایی است که به همزمان روشنگر خود و علاقمندان به فرهنگ و ادب میهن اش هدیه کرده است. آثاری که همانند خورشید فروزان، از پشت ابرهای تیره و تاری زمستان سرزمین مان، با لبخند پر فروغ و جانبخش، نوید زندگی توأم با آزادی و آزادگی را به چهره های غم گرفته مصیبت زدگان میهن ورجاوندش می تاباند.

گفتنی است که استاد جمالی، یکی از برکارترین و پربارترین متفکران ایران بود. آثار فراوان او در این سال های غربت، یکی از کارسازترین رهنمودهای رهروان حرکت روشنگری است. چراغی که او در گوشه دورافتاده غربت افروخته است، راه تاریک و پر سنگلاخ کاروان روشنگران را روشن ساخته و این کاروان را در پیمودن مسیر هموار فرهنگ ایران زمین، رهنماست.

او از زمره فرزاندگانی بود که ایرانی بود و ایرانی اندیشیدن را چاره سازترین راه رهایی میهن مان از ظلمت تاریک اندیشان می شمرد. خود در این راه قدم می زد و دیگران را نیز به پیمودن این راه فرا می خواند. به عنوان یکی از کوشندگان فرهنگی و همراهِ حرکت روشنگری، چنانکه بارها گفته و نوشته ام، از استاد جمالی بسیار آموخته ام و در بازسازی افکار و اندیشه های خود، وامدار نوشته های اویم.

نام و خاطره استاد منوچهر جمالی برای من، مانند بسیاری از دوستدارانش همیشه زنده خواهد ماند. همواره او را بزرگ و ارجمند می داریم و از متفکران برجسته و شجاع و نوآوری می دانیم که نظرات فلسفی، عرفانی و دینی او، و بینش اسطوره شناسی اش در خور ستایش است.

یادش گرامی بادا که یک تنه بار سنگینی از حرکت روشنگری عصر جدید ایران را به دوش گرفت و در حرکت روشنگری کاروانسالاری بس گرانقدر بود.

هوشنگ معین زاده - پاریس

هم باشد در غیر اینصورت مشکل بتوان این نشستگان بر مرکب قدرت را از جایشان تکان داد.

حداقل کاری که از عهده ما ساخته است این می باشد که به خودمان دروغ نگوئیم و با قاطعیت بدون توجه به عده ای از مزدوران بیگانه برای نجات مردم ایران تلاش کرده و از مبارزه دست نکشیم. هر چند گاهی عده ای از حقوق بگیران بیگانه به دستور کارفرمایان شان دور هم جمع شده و خودی نشان می دهند و فرستنده های تلویزیونی خودی و بیگانه هم تا کنون سعی داشته اند که آنان را به نام شخصیت های اپوزیسیون به خورد مردم بدهند که خوشبختانه تا بحال نه تنها در این مورد موفق نشده اند بلکه مورد تمسخر هم قرار گرفته اند.

متأسفانه شخصیت های ملی مورد قبول مردم که در طول این سال ها می توانستند پرچمدار مبارزات باشند چنان از این حرکات ناپخته سرخورده اند که راهی جز گوشه گیری و کنار کشیدن از فعالیت های سیاسی برایشان باقی نمانده. شاید هم به همین خاطر است که اکثر اوقات جلب این شخصیت ها بمنظور شرکت در امر مبارزات سیاسی با اشکال روبرو می شود.

یکی از وظایف مهم ما این است که دستمان را به طرف این شخصیت ها دراز کنیم و از آنان طلب کمک کرده و مصلحتاً بخواهیم که قبل از اینکه دیر شود و بکلی کشور عزیزمان را از دست بدهیم وارد صحنه کارزار شوند. هر کدام از ما اگر این آمادگی را در خود ببیند و بخواهد قدم اولیه را که شامل یارگیری هست بردارد، باید در بدو امر از خودش اطمینان داشته باشد که از عهده این کار بر می آید و می تواند مورد قبول دیگران واقع شود. آیا دارای خصوصیات لازمه این کار هست که نسبت به شناختی که بر دیگران دارد بدون هیچگونه واسطه ای با تک تک این افراد تماس برقرار کند و منظور خودش را از تماس با آنان در میان بگذارد.

چنانچه کسی بخواهد نظام موجود را تغییر دهد لازمه اش داشتن امکانات بخصوص جمع آوری نیروی انسانی است که در این رابطه نیاز به محققین سیاسی با تجربه است که ضمناً در میان شهروندان ایرانی چه در داخل و چه در خارج از نام نیکی برخوردار و مردم نسبت به آنان شناخت کافی داشته باشند.

بنابراین، در ارتباط با چنین نخبه های سیاسی و اجتماعی باید راه و روش دیگری برای جذب بیشتر آنان پیش گرفت. چون هر نوع سهل انگاری و اشتباهی که رخ دهد می تواند به تداوم نظام موجود در ایران کمک کند که متأسفانه به کرار شاهد نمونه های زیادی از این نوع حرکات در سال های گذشته بوده ایم. از جمله،

بقیه در ص ۵

توجه به واقعیت ها، ... بقیه از ص ۱

و دارو دسته ی آنان لاس بزنیم و بخواهیم با آنان که از حامیان همین نظام هستند به دلایلی غیر منطقی رابطه حسنه ای داشته باشیم.

چگونه می توان تصور کرد که همزمان با دوستی با آنان حکومت جمهوری اسلامی را وادار به عقب نشینی کرد تا مردم بیایند آزادانه نوع نظام آینده خود را تعیین کنند. آیا این یک خوش خیالی محض نیست؟

از قدیم گفته اند که نباید شعور دیگران را دست کم گرفت و دشمن را حقیر شمرد. آقایانی که در بالا به آنان اشاره شد از پایه گزاران و محافظین اصلی نظام جمهوری اسلامی بوده و هستند و دقیقاً می دانند برچیدن بساط این نظام مصادف خواهد بود با نابودی تک تک این مهره ها. این شخصیت های طراز اول حکومت که هر کدام چندین دوره رئیس جمهور و نخست وزیر و رئیس مجلس و صاحب پست های مهمی در این مملکت بوده و به این نظام خدمت کرده اند هم از ما زرنکتر هستند و هم رابطه نزدیکی با مافیاهای بین المللی از شرق و غرب را دارا هستند که اطلاعات دست اول در اختیارشان می گذارند. آنان کاملاً بر این واقف هستند که چنانچه روزی مردم از فضای سیاسی و اجتماعی آزاد که سالها بخاطر آن مبارزه کرده اند برخوردار شوند، نه تنها آنان را از صحنه سیاسی دور خواهند کرد بلکه باید پاسخگوی همه معضلاتی که برای توده های مردم پیش آورده اند باشند. به همین مناسبت نباید هیچ نوع انتظار حمایتی از جانب این آقایان که خادم و آلوده حکومت جمهوری اسلامی می باشند داشت و به آنان اعتماد کرد. بهتر است که بکلی از آنان فاصله گرفت و تحت تأثیر حرف های قشنگ و سراپا دروغ و تزویر آنان و یا دلال های سیاسی که در خارج از کشور (حال از هر نوع تابعیتی می خواهند برخوردار باشند) قرار گرفت.

بهتر است که در این مورد هر چه زودتر تکلیف خودمان را روشن کنیم و قبول کنیم که حاکمان جمهوری اسلامی نه تنها وا نخواهند داد بلکه با تمام امکاناتی که در اختیار دارند سعی خواهند کرد به هر قیمتی شده حاکمیت خود را همچنان بر مردم ایران حفظ و اعمال کنند.

در مقابل ایستادگی آنان این ما هستیم که باید با اعتقاد به هدفی که در پیش داریم تنها با اتکاء بخود و با تمام وجود قدم جلو بگذاریم تا بتوانیم سیستم حکومت مردم سالاری مورد دلخواه مردم را جایگزین سیستم دیکتاتوری موجود کنیم.

طرح چگونگی مبارزات که می بایست تهیه شود باید ضمن اینکه با اهداف مان همخوانی داشته باشد قابل اجرا

حاکمیت مستقل بر پایه یک حکومت مردم سالار که توأم با عدالت و

پیشرفت باشد، هدف جبهه ملی است

توجه به واقعیت ها، ...

بقیه از ص ۴

نشست های اخیر پاریس و استکهلم و واشنگتن و بروکسل نمونه ای از آن بوده است. همینطور کسانی که با پرداخت پول فراوان که معلوم نیست از کجا آمده است تنها به خاطر مطرح کردن خود و شاید هم گمراه کردن مردم متوسل می شوند به دادن آگهی در رسانه ها که بیشتر از قماش هخاها هستند که دانسته و یا ندانسته به نحوی به مبارزات اپوزیسیون واقعی لطمه وارد می کنند و تا حدی باعث سرخورده گی مردم ایران شده اند.

آیا چنانچه به واقعیت ها توجه نشود و سطح دید خود را وسعت ندهیم تکرار همان کاری نیست که دیکتاتورهای زمان ما انجام داده اند؟

چند روز پیش بود که آیت الله خامنه ای تازه به صرافت افتاد که واقعیت ها را باید در مد نظر گرفت و به دولت و مسئولین اخطار کرد که نباید واقعیت ها را سرسری بگیرند و تأکید بر این داشت که اگر بخواهید واقعیت ها را درک نکنید طرح و برنامه های شما مواجه با شکست خواهند شد. تصادفاً در این مورد استدلال ایشان بسیار بجا و منطقی است. هرچند که خیلی دیر به این فکر افتاده اند ولی همانطور که از قدیم گفته اند جلوی ضرر را هر وقت بگیري نفع خواهد داشت، اما به شرط اینکه از خود مبارکشان شروع کنند و به این واقعیت توجه کنند که مردم ایران دیگر آقا بالاسر نمی خواهند. وجود ولی فقیه با توجه به اختیاراتش که منجر به دخالت در تمام قوانین مقننه و مجریه و قضائی شده برای ملت ایران قابل تحمل نیست. این همان واقعیتی است که آقای خامنه ای نباید نادیده بگیرند که متأسفانه خودشان را زده اند به کوچه علی چپ! امیدوارم روزی به فکر درک این واقعیت نیفتید که دیگر خیلی دیر شده باشد.

ولی فقیه تا روزی که سخنانش جنبه راهنمایی و نصیحت داشته باشد شاید قابل تحمل باشد ولی چنانچه بخواهد جنبه قانونی و تحمیل پیدا کند و سرپیچی از دستورات ولی فقیه منجر به مجازات هائی که تا حد شلاق و زندان و شکنجه و اعدام شود در آن موقع دیگر این شخص ماهیت ولی فقیه اش را از دست می دهد و تبدیل می شود به یک دیکتاتور تمام عیار که با شئون یک ولی فقیه که به معنای پدر مقدس می باشد مغایرت دارد.

همینطور که رژیم گذشته از واقعیت ها بدور و نسبت به هویت و خواست های اکثریت جامعه غریب و بی خبر بود نظام فعلی هم بنوعی دیگر ولی بمراتب بیشتر به همین درد دچار شده است.

متأسفانه بعضی از ما ایرانیان مقیم خارج هم از آن میرا نیستیم.

هموطن عزیز می که نگران آینده سرزمینت هستی!

با توجه به فضای سیاسی و اجتماعی موجود و خطراتی که یکپارچگی ملت ایران و تمامیت ارضی کشورمان را تهدید می کند و همچنین نقشه های شومی که دولت های صنعتی شرق و غرب نسبت به آینده سرزمین مان ایران کشیده اند که آمریکا و هم پیمانانش به خاطر حفظ موقعیت ابرقدرتی آمریکا در مقابل کشور چین و دیگر ممالکی که نیازمند انرژی نفت هستند، یقیناً بعد از اشغال چاه های نفت عراق و لیبی تصاحب مراکز نفتخیز کشورمان در رأس برنامه هایشان قرار داده اند که به احتمال قوی چنانچه اقدامی کارساز از طرف اپوزیسیون صورت نگیرد به تجزیه ایران ختم خواهد شد. لذا با توجه به این توطئه ای که این بیگانگان در مورد ایران چیده اند که مسبب اصلی آن هم نظام حاکم بر ایران است چه از نظر بر خوردش با ملت ایران و چه در زمینه رفتار سیاسی اش با جامعه بین المللی، آیا بر ما واجب نیست که در پی چاره ای باشیم و با اتکاء بخود و از خودگذشتگی هر چه زودتر راه کاری جدی پیش بگیریم و با همبستگی یکدیگر به مرحله اجراء بگذاریم؟

این شدنی نیست مگر اینکه شناخت کافی نسبت به جامعه ایران و سیاست های بین المللی در رابطه با خاور میانه داشته و با واقعیت ها کنار بیاییم.

متأسفانه اکثر کسانی که به عنوان جامعه شناس از طریق رسانه ها به دیگران درس جامعه شناسی می دهند و برای مردم ایران تعیین تکلیف می کنند جامعه شناسی را تنها از طریق کتاب های درسی آنهم دانشگاه های خارج از ایران آموخته اند.

تنها شناختی که از ایران دارند در ارتباط با سفر و بازدیدهای کوتاه مدتی که بیشتر جنبه توریستی و دیدار از خانواده داشته بوده و به همین خاطر هم از واقعیت های جامعه ایران بی اطلاع هستند. اما در مقابل می توان این کمبود را با تجربیات با ارزش دیگر شخصیت های فعال سیاسی، هرچند که ایام جوانی را پشت سر گذاشته باشند، بخصوص در زمینه شناخت از جامعه ایران و واقعیت های آن جبران نمود که در واقع در ارتباط با راه و هدف مشترکی که در پیش دارند، می توانند مکمل یکدیگر باشند.

در غیر این صورت مشکل می توان تصور کرد که این بار سالم به مقصد برسد.

آلمان - مونیخ، ۳۰ مرداد ماه ۱۳۹۱، ۲۰ اوت ۲۰۱۲

Harun-Mahdavi@t-online.de

شادی ملت به تلخی گرائید

مهندس مسعود هارون مهدوی

ماشای الله به این همه پروئی

خبرهایی که حاکی از برگزاری و نتایج اجلاس سران کشورهای اسلامی در مکه داشتیم، نشانه ای بود از تحت فشار قرار دادن بشار اسد رئیس جمهور سوریه. اکثریت نمایندگان در این اجلاس با دادن رأی بر علیه سوریه و کنار گذاشتن موقت از این مجمع به هدفی که از قبل روشن بود رسیدند. با توجه به دوستی و حمایتی که تا کنون حکومت جمهوری اسلامی از بشار اسد بعمل آورده عکس العملی که احمدی نژاد رئیس جمهور جمهوری اسلامی در مقابل خبرنگاران در این مجمع از خود نشان داد خیلی غیر منتظره و غیر عادی بود.

آیا می شود قبول کرد که احمدی نژاد قبلاً نسبت به هدفی که این اجلاس داشته بی خبر بوده و نمی دانسته که در انزوا قرار دادن بشار اسد به معنای سقوط حکومت او خواهد بود که در رأس برنامه کار این مجمع قرار داشته؟



آیا نشستن کنار پادشاه عربستان سعودی آنقدر با ارزش و افتخارآمیز بود که این شکست را تحت شعاع قرار داد و سرپوش روی آن گذاشت؟

آیا رابطه های دوستی مابین این دو کشور حال به هرگونه ای می خواهد بوده باشد تا این حد بی اعتبار و شکننده بوده که احمدی نژاد را بعد از شنیدن و اطلاع از نتایج صدور رأی حاضرین این اجلاس که حاکی از حذف موقت سوریه از این مجمع بود به چنان عکس العملی واداشت که همه را به تعجب در آورد؟

احمدی نژاد بجای اینکه با دوستش بشار اسد احساس

بقیه در ص ۷

درد بر ورزشکاران دلیر و افتخار آفرینی که نام ایران را به جهانیان که در روزگار دیرین خاطرات خوبی از این سر زمین داشتند شناساندند.

ملت ایران علیرغم محصور بودن در گرفتاری های اقتصادی و اجتماعی، مسابقات جهانی المپیک را به ویژه مسابقات فرزندان نیاخاک شان را با علاقه دنبال می کردند و شما با موفقیت هایتان در این مسابقات که در اثر کوشش و عشق به سرفرازی ایران بوجود آمد، موفق شدید نام میهن را با مدال های رنگین خود در جهان پرآوازه سازید و دل های هم میهنان خویش را شاد نمایید. شما نشان دادید که ایرانی می تواند سر آمد جهانیان باشد اگر ایمان به ایرانی بودن خویش داشته باشد.

اما افسوس این شادکامی دیری نپایید که با رخداد زلزله دهشتناک آذربایجان شادی اش در کام ایرانیان به تلخی گرایید. زلزله این قهر طبیعی، در شمال غربی ایران بخشی از کشور ما را با خاک یکسان نمود و هم میهنان آذربایجانی، این دلبران و سلحشوران ایران زمین را با مصیبتی بس گران مواجه ساخت. سر تا سر میهن با این فاجعه لباس سوگ به تن نموده و غمی جانکاه بر اندیشه های ایرانیان چیره گشت. ما هنوز زلزله بم را که در سال های گذشته اتفاق افتاد و این شهر تاریخی را با خاک یکسان نمود و عده زیادی از مردم آن دیار را از ما گرفت فراموش نکرده ایم و اساساً چگونه می توان فراموش نمود آن هنگام که دیگر زمزمه دلنشین زنده یاد ایرج بسطامی را نمی توان به گوش و جان شنید؟ چگونه می توان مویه های مادران فرزندان از دست داده را که بر ویرانه های کاشانه خویش سوگ نامه فراغ عزیزانش را می خواند به فراموشی سپرد؟ چگونه می توان اشک های خاک آلوده کودکان پا برهنه این ویرانی را دید و دچار فراموشی تاریخی شد؟ بی گمان مصیبت های وارده در چنین حوادثی چنان سهمگین است که سال ها در گوشه ای از خاطرات همه ما ایرانیان جا خوش خواهد نمود. همانگونه که زلزله های بوئین زهرا، طیس، رودبار و بم هنوز از خاطره ها محو نشده است.

زلزله آذربایجان در حالی روی می دهد که خرابی های زلزله بم به دلیل بی توجهی مسئولین هنوز پس از سال ها باز سازی آن پایان نیافته. ولی آوازه ساخت و ساز و آبادانی آن بسیار بلند و در عمل هیچ دردی از مردم آسیب دیده درمان نکرده است، فقط آن که در عمل همین نگرانی درباره زلزله آذربایجان نیز وجود خواهد داشت که با همه شعارهای مطرح شده درباره بازسازی کردن این ویرانی ها، باز مردم

بقیه در ص ۲

فرهنگ درخشان ایرانی، دستآورد تلاش همه ایرانیان
و جزئی از هویت آن ها است

خبرهای ورزشی

ز نیرو بود مرد را راستی

ز سستی کزی زاید و کاستی

فردوسی

درگذشت روانشاد منوچهر جمالی اندیشمند برجسته و متفکر نامدار را به جامعه روشنفکری و هم میهنان گرامی صمیمانه تسلیت می گوئیم.

نام آوران پیروز ایران در المپیک لندن

دارندگان نشان طلا:

- حمید سوریان در ۵۵ کیلوگرم کشتی فرنگی
- بهداد سلیمی در فوق سنگین وزنه برداری و کسب عنوان قوی ترین مرد جهان
- امید نوروزی در ۶۰ کیلوگرم کشتی فرنگی
- قاسم رضایی در ۹۶ کیلوگرم کشتی فرنگی

دارندگان نشان نقره:

- صادق گودرزی در ۷۴ کیلوگرم کشتی آزاد
- سجاد انوشیروان در فوق سنگین وزنه برداری
- احسان حدادی در پرتاب دیسک، نخستین نشان نقره دو میدانی ایران در المپیک
- باقر محمدی در وزن ۶۸ کیلوگرم تکواندو
- نصیر شلال در ۱۰۵ کیلوگرم وزنه برداری

دارندگان نشان برنز

- کیانوش رستمی در ۸۵ کیلوگرم وزنه برداری
- کمیل قاسمی در سنگین وزین کشتی آزاد
- احسان لشگری در ۸۴ کیلوگرم کشتی آزاد

ماشا الله به این همه پروئی
همدردی کند، برعکس بلافاصله بعد از اتمام این اجلاس با چهره ای شگفته از شادمانی در مقابل دوربین های متعدد فرستنده های مختلف با خوشحالی بسیار دو انگشت خود را به علامت پیروزی برافراشته و به رخ دیگران کشید.

او چنان شادمانی می کرد که انگار این اسرائیل بوده که محکوم شده و نه سوریه دوست و هم پیمانش! به هرصورت دلیل این همه احساس پیروزی و شادمانی از طرف آقای رئیس جمهور احمدی نژاد را کمتر کسی می داند.

مناسفانه عقل نگارنده در مورد خوشحالی و شادمانی احمدی نژاد قد نمی دهد.

بهر حال، رأی اجلاس که برای حکومت جمهوری اسلامی یک شکست بود در آینده ای خیلی نزدیک دامن احمدی نژاد را هم خواهد گرفت.

به همین دلیل، تنها چیزی که میتوان نسبت به احساس پیروزی و شادمانی آقای رئیس جمهور احمدی نژاد گفت تیرتر همین مقاله است.

Harun-Mahdavi@t-online.de

آلمان - مونیخ

۳۱ مرداد ماه ۱۳۹۱ / ۲۱ اوت ۲۰۱۲

ایران قهرمان جهان در ورزش قهرمانی

کمانگیری روی اسب

تیم کمانگیری روی اسب ایران برای چهارمین دوره متوالی موفق به کسب مقام قهرمانی جهان شد.

این مسابقه ها که با حضور ۳۵ ورزشکار از یازده کشور جهان در سوکچر کره جنوبی به صورت تیمی و انفرادی برگزار شد تیم ایران با کسب پنج نشان طلا، سه نقره و یک برنز عنوان قهرمانی جهان را از آن خود کرد.

قهرمانان تیم پیروز کمانگیری روی اسب عبارتند از: ولی گراوند، علی قورچیان، قدرت الله گراوند و بهروز بمانی نژاد و سرمربی تیم مهدی صفای بود.

کشتی آزاد نوجوانان در مسابقه های جهانی

تیم کشتی آزاد نوجوانان ایران در مسابقه های جهانی که در باکو برگزار شد، با کسب یک نشان طلا و شش برنز به مقام سوم رسید. مدال آوران کشتی آزاد نوجوانان عبارتند از:

علی محمدزاده نشان طلا

سمیر یاور، رضا مظفری، حسین شهبازی، صابر خانجانی، حسین روزبه و علی اصغر اکبری صاحب مدال برنز شدند.

تسلیت به هموطنان زلزله زده

زمین لرزه مرگباری که آذربایجان را لرزاند و بیش از سیصد کشته و چند هزار زخمی بجای گذارد، دل عاشقان ایران را به سختی به درد آورد بگونه ای که جامعه به ویژه پهلوانان و نام آوران ورزش ایران به پیروی از سنت جوانمردی به یاری بازماندگان زلزله زده برخاستند.

هیأت اجرایی جبهه ملی خارج از کشور ضمن ابراز همدردی با بازماندگان این رویداد تلخ و غم انگیز و آرزوی شکیبایی و بردباری برای هم میهنان مصیبت زده آذربایجانی معتقد است همبستگی بزرگی که در یاری رساندن به زلزله زدگان از سوی مردم پدید آمد، نشان دهنده همبستگی گسترده تر در راستای آزادی مردم و رهایی ایران می تواند باشد.

سوگ چکامه ای برای هم میهنان آذری

باز می آیم بسویت، با دو چشم تار و گریبان
ای آذربایجانم، آتشت فتاده بر جان
ای سپید سربلندم، سرزمین نور و ایمان
بی قرار و داغدارم، در غمت بنشسته نالان
خشم کور آسمان ها، هستی ات را کرده ویران
روی خاکت گرد ماتم، سینه ات آماج توفان
کو به کو افتاده هر سو، پیکری در هم شکسته
اشک گرمی، آه سردی، سینه ات از غم پریشان
ای دلیر آذری، این خون بهای مُلک ایران
ای گذشته از سر و جان، در رهش همواره آسان
من به هر جا از تو گویم، با تو مویم
تا جهان باشد بجا، من با تو دارم عهد و پیمان

خوانندگان گرامی می توانند مطالب خود را جهت چاپ در نشریه جبهه ملی خارج کشور، به نشانی زیر بفرستند.

راه تماس با سازمان جوانان جبهه ملی خارج از کشور:

www.javanane-melli.de
info@javanane-melli.de

نشریه

جبهه ملی ایران

خارج کشور

با مسئولیت هوشنگ کردستانی زیر نظر

هیأت تحریریه

هوشنگ کردستانی، مهندس مسعود هارون مهدوی،

دکتر حسن کیانزاد

و جهانگیر لقانی هر ماه یک بار در خارج از کشور

انتشار می یابد

نوشته‌های با نام نویسنده در نشریه جبهه ملی

ایران خارج کشور، الزاماً نظر جبهه ملی ایران

نیست.

رسید مزده که ایام غم نخواهد ماند

چنان نماند و چنین نیز نخواهد ماند

چو پرده دار به شمشیر می زند همه را

کسی مقیم حریم حرم نخواهد ماند

سرود مجلس جمشید گفته اند این بود

که جام باده بیاور که جم نخواهد ماند

بر این رواق زبرجد نوشته اند به زر

که جز نکویی اهل کرم نخواهد ماند

ز مهربانی جانان طمع مبر حافظ

که نقش جور و نشان ستم نخواهد ماند

حافظ

همبستگی و پایداری تاریخی اقوام ایرانی در لوای حاکمیت مردمی،
هدف جبهه ملی است